

نقش سبک زندگی در پیش‌بینی رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰

از صفحه ۹۵ تا ۱۱۸

احمد سوری^۱، ابوالفضل پورمنافی^۲، بابک رشیدپور^۳، نرجس خلقی^۴

چکیده

زمینه و هدف: رفتارهای پرخطر ارادل و اوباش یکی از مهم‌ترین عوامل به خطر افتادن سلامت جامعه هستند. تحقیق حاضر نیز در همین راستا، با هدف تعیین نقش ابعاد سبک زندگی در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران است.

روش: روش پژوهش حاضر، از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه ارادل و اوباش در دسترس و تحت کنترل پلیس امنیت عمومی فاتب در سال ۱۳۹۶ است که ۱۹۴ نفر از ۳۹۰ نفر براساس فرمول کولران و به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفتند. ابزار بررسی، پرسشنامه نیم‌رخ سبک زندگی ارتقادهنده سلامت و مقیاس خطرپذیری نوجوانان است که روایی و پایایی آن در پژوهش‌های مختلف به اثبات رسیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون خطی و به منظور بررسی مفروضات آن از آزمون‌های همبستگی و دوربین-واتسون بهره‌برداری شده است.

یافته‌ها: بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان داد که سبک زندگی و مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، مدیریت استرس، رشد معنوی و فعالیت بدنی، تأثیر معکوس و معناداری بر رفتار پرخطر ارادل و اوباش دارد، در حالی که مؤلفه‌های روابط میان فردی و تغذیه، تأثیر معناداری بر رفتار پرخطر ارادل و اوباش ندارند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که سبک زندگی می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش را پیش‌بینی کند و هرچه نمره آزمودنی‌ها در نیم‌رخ سبک زندگی بالاتر باشد، رفتار پرخطر کمتری از خود نشان می‌دهند.

کلید واژه‌ها: سبک زندگی، رفتار پرخطر، ارادل و اوباش، خشونت، امنیت.

استناد: سوری، احمد؛ پورمنافی، ابوالفضل؛ رشیدپور، بابک و خلقی، نرجس (زمستان ۱۳۹۸). نقش سبک زندگی در پیش‌بینی رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۴ (۵۶)، صص ۹۵-۱۱۸.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی امین، نویسنده مسئول: Souri.ah@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی امین، a.pourmanafi@mihanmail.ir

۳. کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات دانشگاه علوم نظامی امین، b.rashidpour92@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، narjeskholghi@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائل مهم جوامع کنونی، شیوع آسیب‌های اجتماعی _ روانی است که در دهه‌های اخیر، بسیاری از مطالعات محققان و دانشمندان را به خود اختصاص داده است. آسیب‌های اجتماعی، طیف وسیعی از نابهنجاری‌ها را شامل می‌شود و از آن جمله می‌توان به رفتارهای پرخطر نیز اشاره کرد که مهم‌ترین عامل به خطر افتادن سلامت جامعه‌اند. به عبارت دیگر، رفتارهای تهدیدکننده سلامت جامعه یکی از مهم‌ترین چالش‌های بهداشتی و روانی - اجتماعی هستند که اکثر کشورهای جهان به‌نوعی با آن درگیر بوده و مشکلات و هزینه‌های گسترده‌ای را بر جوامع تحمیل می‌کنند (محمودی، ۱۳۹۵). جامعه سالم و ایمن جامعه‌ای است که افراد در آن احساس امنیت داشته باشند. از این‌رو، منظور از امنیت، آرامش، فقدان ترس و عدم نگرانی در خصوص ایجاد خطر از سوی دیگران است. بنابراین، یکی از عواملی که باعث فرسایش احساس امنیت و آسیب‌زایی برای جامعه ایمن می‌شود، وجود جرم و زمینه‌های شکل‌گیری آن است. می‌توان در ساده‌ترین تعریف، جرم را شیوه رفتاری دانست که قانون را نقض می‌کند (گیدنز^۱، ۱۳۸۶). اما از جمله کانون‌های بروز رفتار پرخطر و جرم در جامعه، وجود اراذل و اوباش و هنجارشکنان اجتماعی است. اراذل و اوباش، افرادی هستند که عمدتاً دارای سوابق متعدد کیفری بوده و با شرارت، زورگویی، قمه‌کشی و سلب آسایش عمومی، مرتکب جرم می‌شوند.

سبک زندگی امروزه عنوانی شناخته‌شده در مباحث جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی به شمار می‌آید. این مفهوم، گستره وسیعی از رفتارها، کنش‌های فردی، روابط فردی و اجتماعی و مؤلفه‌های روانی و فرهنگی را شامل می‌شود. سبک زندگی، شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد (نوروزی و نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۱۹). این شیوه حاصل زندگی دوره‌های مختلف زندگی فردی است

1. Giddens

(آقایی، ملک پور و منصور، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱). در این میان، یکی از حوزه‌هایی که مطالعه سبک زندگی در آن بسیار راهگشا است، حوزه جرم‌شناسی و پیش‌بینی رفتار مجرمانه بزه‌کاران است. بی‌شک، سبک زندگی ارادل و اوباش و مجرمان جرائم‌خشن، نشانه‌های مشترک و جنبه‌های قابل تأمل فراوانی دارد. چنانچه بتوان این نشانه‌ها را در سبک زندگی مجرمان شناسایی کرد، قطعاً می‌توان از آن به عنوان مقیاس و معیاری در سنجش و کنترل جرائم و پیشگیری از آن‌ها بهره گرفت.

کجروی‌های اجتماعی و بزهکاری‌ها از پدیده‌های ناخوشایند حیات اجتماعی انسان‌هاست که همواره در همه جوامع بشری وجود داشته است. باید به این مسئله اذعان کرد که مجرمان، افرادی نیستند که ذاتاً خلافکار باشند، بلکه به علت ناتوانی در سازگاری اجتماعی یا مشکلات شخصیتی، راه‌حل مطلوب غلبه بر مشکلات را نمی‌دانند. به همین جهت، توجه ویژه به سبک زندگی افراد در دوران کنونی، کاربرد نسل‌نویسی از تدابیر پیش‌گیرنده غیرکیفری را امکان‌پذیر کرده است. بنابراین، برای پیشگیری بیشتر از بروز رفتار مجرمانه و اینکه افراد جامعه بتوانند کارکردهای اصلی خود را به خوبی انجام دهند، لازم است سبک زندگی آن‌ها مورد بررسی قرار بگیرد (توفیق، ۱۳۹۴).

سبک زندگی روشی است که افراد در طول زندگی انتخاب کرده‌اند و زیربنای آن در خانواده پی‌ریزی می‌شود که در واقع متأثر از فرهنگ، نژاد، مذهب، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و باورها است. ماهیت سبک زندگی به تعامل‌های اجتماعی مخصوصاً تربیت تولد شخصی در داخل خانواده و ماهیت رابطه والد-کودک بستگی دارد (شولتز و شولتز^۱، ۱۳۸۸). سبک زندگی در هر فرد منحصر به خود اوست و الگویی از رفتار است که در سراسر زندگی فرد دیده می‌شود و به‌ندرت احتمال دارد که بدون دخالت خارج، سبک زندگی یک فرد تغییر یابد (تامپسون و رودلف^۲، ۱۹۹۶). بررسی‌های موجود نشان می‌دهند در بروز رفتار پرخطر، عوامل متعددی از جمله عوامل روان‌شناختی، اجتماعی، هیجانی و خانوادگی دخالت دارند. به عنوان مثال، نجفی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان داد تمام مؤلفه‌های باورهای غیرمنطقی با گرایش به رفتار پرخطر رابطه مثبت و معنادار دارند. همچنین، در پژوهشی دیگر، چاوپوچنکامجورن و پیچاینارون^۳ (۲۰۱۱) نشان

1.Schultz & Schultz

2.Thompson & Rudolph

3.Chaveepojnkamjorn & Pichainarong

دادند که رفتارهای پرخطر نظیر مصرف مشروبات الکلی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و سابقه مصرف الکل در خانواده رابطه معناداری دارد. علیرغم پژوهش‌های انجام‌شده و از آنجا که سبک زندگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد - که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی است - اطلاق شده و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فردی و اجتماعی هر فرد است، لذا این پژوهش بر آن است که مفاهیم سبک زندگی و پیش‌بینی رفتارهای پرخطر ارادل و اوباش را مطرح کند و رابطه بین این متغیرها را مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیق، محقق به دنبال تأثیر مثبت ابعاد سبک زندگی در پیش‌بینی رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران است تا نتایج را به فرماندهان و مدیران ارائه کند. بنابراین، تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا سبک زندگی می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند؟

در دو دهه اخیر، معضلات اجتماعی به خصوص در کلانشهر تهران به عنوان پایتخت و مرکز سیاسی و اقتصادی کشور، ضمن گستردگی، بسیار پیچیده شده است. به همین خاطر، سازمانی مانند ناجا باید این قابلیت و ویژگی را در خود ایجاد کند که افعال و رفتار مجرمانه و قانون‌شکنانه را قبل از وقوع پیش‌بینی و مهار کند. چون جنس پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های دیگر نیست، لذا لازم است از علوم مرتبط با این امر بهره برد؛ علومی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، آمار و غیره که در جهان امروز نیز سازمان‌های امنیتی کشورهای پیشرو با تلفیق علوم فوق و ایجاد دانش‌های پلیسی جدید و نوظهور همچون روان‌شناسی جرم، روان‌شناسی جنایی، روان‌شناسی قانونی و غیره، زوایای پنهان و پیدای مرتبط با مجرم را قبل، حین و بعد از انجام جرم مورد بررسی قرار می‌دهند. حال با توجه به موارد فوق و با استفاده از علوم مربوطه می‌توان در جهت ایجاد و حفظ امنیت در جامعه با بررسی ابعاد شش‌گانه سبک زندگی مخلان نظم و امنیت و ارادل و اوباش نسبت به پیش‌بینی رفتار پرخطر آن‌ها اقدام کرد و ضمن رصد، پیش‌بینی، برآورد و تحلیل تحرکات آن‌ها، راهکار مناسب را برگزید و به‌نوعی از شیوه سنتی چگونگی برخورد با جرم بعد از وقوع عبور کرد و برخورد پیشگیرانه را قبل از وقوع جرم برگزید که برآیند چنین اقدامی می‌تواند به بروز تأثیراتی مثبت در تحقق امنیت عینی و ذهنی در سطح جامعه منجر شود. علاوه بر موارد عنوان‌شده، پیش‌بینی رفتار پرخطر ارادل و اوباش می‌تواند سازمان پلیس را از دیگر آثار مثبت خود برخوردار

کند؛ چراکه کاهش مأموریت‌های سازمان و عدم غافلگیری در قبال افعال مجرمانه ارادل و اوباش از جمله نزاع و درگیری‌های دسته‌جمعی، تخریب و آسیب اموال عمومی و خصوصی، تیراندازی با سلاح گرم، شرب خمر و تظاهر مستانه و غیره، باعث بالا بردن ضریب بهره‌وری نیروی انسانی و امکانات سازمانی و هدفمندی در انتخاب مأموریت‌های اولویت‌دار سازمانی و نیز جلوگیری از آسیب‌ها و تهدیدات متصور و استهلاک روحی-روانی و جسمی مأموران در مواجهه و برخورد با ارادل و اوباش باشد و به نوعی در کاهش بودجه مراکز انتظامی و قضایی نیز نقشی سازنده ایفا کند. حال این پژوهش در تلاش است تا چگونگی ارتباط سبک زندگی و ابعاد شش‌گانه آن (مدیریت استرس، مسئولیت‌پذیری، تغذیه، روابط بین فردی، فعالیت جسمانی و تعالی رفتار) را در پیش‌بینی رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران مورد مطالعه قرار دهد.

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با موضوع تحقیق انجام شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. نجفی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس باورهای غیرمنطقی و تنظیم هیجانی در دختران دبیرستانی»، نشان داد تمام مؤلفه‌های باورهای غیرمنطقی با گرایش به رفتار پرخطر، رابطه مثبت و معنادار دارند و با استفاده از یافته‌های این پژوهش، می‌توان بروز رفتارهای پرخطر را در دانش‌آموزان دبیرستانی با توجه متغیرهای باورهای غیرمنطقی و تنظیم هیجانی پیش‌بینی کرد. محمودی (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی با عنوان «نقش سبک زندگی و تنظیم هیجانی در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دختران دبیرستانی»، نشان می‌دهد رفتار پرخطر را می‌توان توسط سبک زندگی پیش‌بینی کرد، اما تنظیم هیجانی نمی‌تواند چنین رفتاری را پیش‌بینی کند. بنابراین، سبک زندگی به‌ویژه بعد روابط بین فردی آن پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی است. همچنین، می‌توان گفت علت گرایش نوجوانان به انجام رفتارهای پرخطر و آسیب‌زا، فقدان ذهن‌آگاهی و خودتنظیمی این قشر حساس است. همچنین، زراعتکار (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر اقدامات اجرایی پلیس اطلاعات و امنیت عمومی تهران بزرگ بر کنترل ارادل و اوباش»، عنوان می‌دارد یکی از مسائل مهم اجتماعی که زمینه‌ساز از بین رفتن امنیت و احساس امنیت در جوامع است، وجود افرادی است که به جهت ابراز وجود در جامعه، سعی در نقض قوانین و ایجاد رعب و وحشت دارند. برای پیشگیری و مقابله با اینگونه حرکات، نیاز به اهرم‌ها و مکانیسم‌های کنترلی است که

پلیس امنیت عمومی ایجادکننده و عهده‌دار آن است. لذا لازم است پس از انجام یکسری اقدامات هدفمند اطلاعاتی، اولاً اینگونه افراد شناسایی و در ثانی نسبت به برخورد و کنترل آن‌ها اقدام شود. این اقدامات به‌طور کلی شامل دو بخش است؛ تشکیل بانک‌های اطلاعاتی ارادل و اوباش و اقدامات مراقبتی که شامل مراقبت‌های سنتی و نوین است.

فانگکیو و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، در یک تحقیق کیفی با عنوان «آیا والدین واقعاً درباره‌ی خطر جنسی کودکان خود خبر دارند؟»، در کشور تایلند مطرح می‌کنند که نوجوانان تمایل دارند والدین به صحبت و مسائل و مشکلات آن‌ها گوش داده و در ارتباطات خود با آن‌ها گرم‌تر بوده و به آن‌ها آزادی عمل بیشتری اعطا کنند. والدین نیز تأکید داشتند که آن‌ها نیازمند کسب آگاهی و مهارت‌های بیشتر در زمینه‌ی راهنمایی فرزندان خود می‌باشند تا در رفتارهای پرخطر از جمله رفتارهای پرخطر جنسی و پرخاشگری درگیر نشوند. لی‌آیو، لی‌آیو، تئو و لی‌آیو^۲ (۲۰۰۳) نیز در پژوهشی با عنوان «تأثیر هوش هیجانی بر رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی مالزی»، روی ۲۰۳ دانش‌آموز دبیرستانی به منظور بررسی تأثیر هوش هیجانی بر مشکلات رفتاری، انجام دادند. در این مطالعه نشان داده شد هوش هیجانی می‌تواند با درونی و بیرونی کردن مشکلات، ارتباط داشته باشد و سطوح بالای هوش هیجانی با سطوح پایین در بروز مشکلات رفتاری از قبیل اضطراب تحصیلی، افسردگی، شکایات جسمی، استرس، پرخاشگری و بزهکاری رابطه دارد.

مونیکا^۳ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی اهمیت آموزش جسمانی در مبارزه با استرس و سبک زندگی غیرفعال در دانشجویان دانشگاه بخارست»، نشان داد که انجام فعالیت‌های ورزشی می‌تواند منجر به افزایش توانایی مقابله با استرس و تنش‌های زندگی شود و فعالیت‌های عصبی و ذهنی را افزایش دهد. همچنین، بسچلو، ریویک، اسچورز و پنیِتکس^۴ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل سبک زندگی در دوره‌ی دوساله‌ی افسردگی یا اختلالات اضطرابی»، تأثیر سبک زندگی سالم بر نشانه‌های افسردگی و اضطراب را بررسی کرده و مشخص کردند که این نشانه‌ها توسط سبک زندگی سالم و فعالانه کاهش می‌یابد.

1. Fongkaew et al

2. Liau, Liao, Teoh, Liao

3. Monica

4. Boschloo, Reeuwijk, Schoevers & Penninx

استرس آثار بی‌شماری در حیطه‌های روانی، رفتاری، اجتماعی، جسمانی و معنوی به همراه دارد. در زمینه روانی از آثار بارز استرس مشکلاتی نظیر اضطراب و افسردگی و اختلالات سازگاری را می‌توان نام برد. تحقیقات نشان می‌دهد که سبک زندگی دینی با سلامت اجتماعی افراد یک جامعه مرتبط است (دی^۱، ۲۰۱۱) و افرادی که از دینداری بالایی برخوردارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های استرس‌زا دارند، میزان پایین‌تری از هیجانات منفی و افسردگی را تجربه می‌کنند، اضطراب کمتری دارند، از مصرف مواد روان‌گردان و الکل پرهیز می‌کنند و از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند (تسه، لوید، پتچوسکی و مانیا^۲، ۲۰۰۵).

رفتارهای پرخطر به رفتارهایی اطلاق می‌شود که سلامت و زندگی نوجوانان، جوانان و سایر افراد جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد (ماهر، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر، رفتارهای پرخطر، احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش می‌دهد (کارگرگ و گروور^۳، ۲۰۰۳، صص ۶۰۱-۶۰۴). رفتارهای پرخطر می‌تواند با ایجاد وقفه در رشد یا ایجاد مانع برای تجربه‌های شاخص گروه همسالان، اثرات نامطلوبی روی افراد برجا گذارد (اسماعیل‌زاده، اسدی، میری و کرامتکار^۴، ۲۰۱۴). دوره نوجوانی که با تغییرات جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی گسترده همراه است، مرحله مهمی برای شروع رفتارهای پرخطر محسوب می‌شود (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۸، صص ۴۶۷-۴۸۵). دوران انتقال از کودکی به بزرگسالی برای بسیاری از نوجوانان، در زمان‌های قبل به خوبی سپری می‌شد، ولی با توجه به تغییرات فناورانه، فرهنگی و اجتماعی سریع و پرشتاب جوامع امروز، این دوران برای تعدادی از نوجوانان همراه با بروز مشکلات فراوان جسمی، روانی و اجتماعی بوده و پایه بسیاری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها می‌شود. عوامل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نیز نقش مهمی در سوگیری رفتاری افراد به عهده دارند. اغلب نوجوانان با خانواده، جامعه و بستگان دچار چالش هستند و ممکن است فشار آن، مشکلات نوجوان را در مرحله تصمیم‌گیری به سمت رفتارهای پرخطر بکشاند. از این‌رو، دوره نوجوانی و جوانی اغلب با

1. Day

2. Tse, Lloyd, Petchkovsky & Manaia

3. Car Gregg & Grover

4. Esmailzadeh, Asadi, Miri & Keramatkar

خطرپذیری هم‌معنا شده و فرد به عنوان موجودی خطرپذیر تعریف می‌شود (کارگرگ و همکاران، ۲۰۰۳، صص ۶۰۱-۶۰۴). بسیاری از رفتارهای پرخطر از قبیل مصرف سیگار، مواد و روابط جنسی نامطمئن در سنین قبل از ۱۸ سالگی اتفاق می‌افتند (برگمن و اسکات^۱، ۲۰۰۱).

دیدگاه روانکاوی بر تأثیر حالات ناهشیار در شخصیت آدمی تأکید دارد. در این دیدگاه، شخصیت انسان دارای سه بعد است: نهاد، خود و فراخود. تعامل بین این سه بعد شخصیت، برای تعیین سرنوشت خود حائز اهمیت است؛ به طوری که در انسان‌های سالم این سه بعد هماهنگ باهم بوده و فراخود تسلط بر امیال نهاد داشته و خود نیز به دنبال ارضای امیال پسندیده و اجتماعی است. اما در انسان‌های بیمار، تعادل بین این سه بخش، از بین رفته و معمولاً نهاد افسار بخش‌های دیگر را در دست گرفته و حکم‌فرماست. لذا در این نظریه، شخصیت انعکاسی از تعامل پویایی این سه بعد است (کارور و اسپیر^۲، ۲۰۰۴). جان بالبی^۳ (۱۹۵۸) با تأکید بر رابطه مادر - کودک، نظریه دل‌بستگی را مطرح کرد. وی اعتقاد داشت رابطه مادر - کودک، اساس رشد آتی شخصیت فرد است. اگر این رابطه بر مبنای محبت استوار باشد، فرد شخصیتی سالم خواهد داشت. نیاز مهم دیگر در رشد روانی انسان، نیاز به امنیت یا نیاز ایمنی است که کارن هورنایی^۴ (۱۹۳۷) آن را یک نیاز اساسی می‌داند؛ به طوری که اگر والدین از ابراز محبت به کودک دریغ ورزند، امنیت را در کودک تضعیف کرده یا از شکل‌گیری آن جلوگیری می‌کنند (سوری، ۱۳۹۵).

یکی از متغیرهایی که با رفتارهای پرخطر در ارتباط است، سبک و شیوه زندگی است. سبک زندگی روشی است که از طریق آن افراد به سوی تکالیف زندگی راهنمایی شده یا از آن روگردان می‌شوند (استین و ادواردز^۵، ۲۰۰۶). ونزل^۶ (۱۹۸۲) در تعریف سبک زندگی می‌گوید: «کلیت الگوهای رفتاری و تمایل هنجاری و غیره که از طریق فرآیندهای اجتماعی تکامل می‌یابند» (هنری^۷، ۱۳۸۳). اولین بار آلفرد آدلر^۸ روان‌شناس آلمانی،

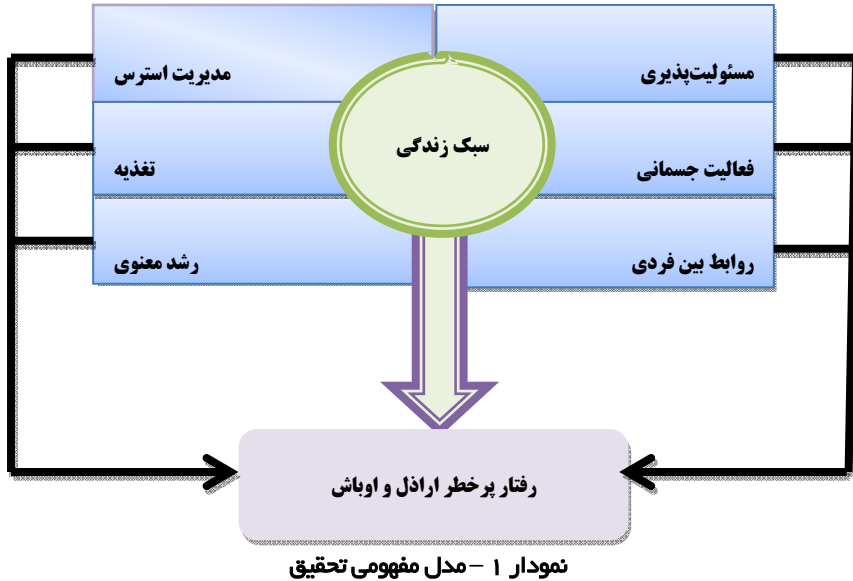
1. Bergman & Scott
2. Carver and scheier
3. Bowlby
4. Horney
5. Stein and edwards
6. Wenzel
7. Henry
8. Adler

سبک زندگی را مطرح کرد. او می‌گوید سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند. آدلر رویه و روش مشخص فرد در زندگی خود را سبک زندگی می‌نامد و این مفهوم را با تعبیر گوناگونی مانند خود، شخصیت، فردیت، شکل‌دهنده فعالیت‌های خلاق فرد و شیوه مواجهه با مشکلات به کار برده است. او در خصوص پدید آمدن سبک زندگی بر این باور بود که همه انسان‌ها به نوعی به احساس کهنتری مبتلا هستند که با روش خاصی در صدد برطرف کردن آن هستند. این رویه منحصر به فرد برای جبران کهنتری، سبک زندگی افراد را ایجاد می‌کند. در دیدگاه وبر، سبک زندگی در قالب پایگاه و گروه منزلتی معنا می‌یابد. به این ترتیب، یک سبک زندگی معین بر همه اعضای یک گروه منطبق است و نه فقط بر یک فرد. در نظریه گیدنز، عنصر محوری و گریزناپذیر سبک زندگی، انتخاب است. در سطح «خود» یکی از مؤلفه‌های اساسی روزمره، همان انتخاب‌هایی است که به‌طور عادی عمل می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶).

عوامل روانی-اجتماعی مؤثر در سبک زندگی که آدلر (۱۹۵۶) آن‌ها را مطرح کرد، عبارت‌اند از: تأثیر والدین بر کودکان، تأثیر کودکان بر والدین، تأثیر کودکان بر یکدیگر و تقویت نظام آموزشی (دریکورز^۱، ۱۹۹۳). موزاک و مانیاکسی^۲ (۱۹۹۹) نیز از تعدادی دیگر از عوامل روانی-اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی نام می‌برند که می‌توان از جو خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری و انتقال ارزش‌ها توسط والدین، فرهنگ، همسایه‌ها، تقسیم آموزشی و پیکربندی خانوادگی نام برد. جو خانوادگی بستری است که در آن، خانواده شیوه کنار آمدن با زندگی را به کودک سرمشق می‌دهد. در جو خانواده است که کودکان درباره ارزش‌ها و سنت‌ها، چیزهایی یاد می‌گیرند و می‌کوشند خود را با معیارهایی که پدر و مادر تعیین می‌کنند، سازگار کنند. کودکان همچنین با مشاهده نحوه تعامل خانواده‌شان، چگونگی برقراری رابطه با دیگران را یاد می‌گیرند و با دقت در الگوهای نقش جنسیتی که والدینشان برگزیده‌اند، این الگوها را می‌آموزند (تامپسون و رودلف، ۱۹۹۶). با توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار در پیش‌بینی رفتار پرخطر ارادل و اوباش، مدل مفهومی تحقیق به شکل زیر ترسیم می‌شود.

1. Dreikurs

2. Mosak & maniaci



روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر از نظر ماهیت، توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود که نتایج حاصله را می‌توان جهت بهره‌برداری به فرماندهان و مدیران ارائه کرد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه ارادل و اوباش کنترلی سطح یک و دو شهر تهران در سال ۱۳۹۶ با حجم تقریبی ۳۹۰ نفر هستند که براساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، ۱۹۴ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفتند. در پژوهش حاضر، برای گردآوری داده‌های (اطلاعات) مورد نیاز از دو پرسشنامه استاندارد^۱ «نیمرخ سبک زندگی ارتقادهنده سلامت^۲» و «مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی^۳» استفاده شده است که در پژوهش‌های مختلف و گوناگونی مورد استفاده قرار گرفته است. پایایی پرسشنامه سبک زندگی با استفاده از روش بازآزمایی با فاصله دو هفته و روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار (۰/۸۲) و زیرشاخه‌ها (۰/۶۴ تا ۰/۹۱) بررسی و تأیید شد. در پرسشنامه رفتار پرخطر، روایی محتوای گویه‌های افزوده شده توسط جمعی از اساتید مشاوره و روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفته و پایایی

1. Standard Questionnaire

2. HPLP-II

3. IARS

آن با ضریب آلفای کرونباخ $0/86$ گزارش شده است. برای تجزیه تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، دوربین-واتسن و تحلیل رگرسیون چندگانه با کمک نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱ - ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه تحقیق

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد فراوانی
سن	زیر ۳۰ سال	۵۶	۲۹
	۳۱-۵۰ سال	۹۷	۵۰
	بیشتر از ۵۰ سال	۱۶	۸
سطح تحصیلات	بدون پاسخ	۲۵	۱۳
	دانشگاهی	۱۹	۱۰
	دیپلم	۶۰	۳۱
وضعیت تأهل	زیر دیپلم	۱۱۵	۵۹
	مجرد	۱۱۹	۶۱
وضعیت اشتغال	متاهل	۷۵	۳۹
	بیکار	۱۵۹	۸۲
سابقه کیفری	شغل آزاد	۳۵	۱۸
	بدون سابقه	۶	۳
	۱ تا ۵ مورد	۱۲۳	۶۴
	۶ تا ۱۰ مورد	۴۷	۲۴
	بیشتر از ۱۰ مورد	۱۸	۹

همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است از نظر سنی، بیش‌ترین حجم نمونه دارای سن بین ۳۱ تا ۵۰ سال و از نظر تحصیلات، زیر دیپلم و از نظر تأهل، مجرد بوده‌اند. همچنین، اغلب آن‌ها بیکار و دارای سوابق متعدد ارتکاب جرم هستند

جدول ۲ - توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مسئولیت در قبال سلامت	۲/۱۸	۰/۶۶	۰/۰۰	۳/۶۷
مدیریت استرس	۲/۰۹	۰/۶۲	۰/۰۰	۴/۳۸
روابط بین فردی	۲/۵۱	۰/۶۰	۰/۲۲	۳/۶۷
رشد معنوی	۲/۵۶	۰/۶۷	۰/۰۰	۴/۰۰
تغذیه	۲/۱۸	۰/۵۵	۰/۰۰	۳/۵۶
فعالیت بدنی	۲/۱۸	۰/۷۵	۰/۰۰	۳/۸۸
سبک زندگی	۲/۲۸	۰/۵۴	۰/۰۴	۳/۵۰
رفتار پرخطر	۳/۰۶	۰/۹۷	۰/۰۰	۴/۳۹

با توجه به اینکه در پرسشنامه استاندارد سبک زندگی، طیف هرگز دارای حدود واقعی ۰/۵ تا ۱/۵، گاهی اوقات ۱/۵ تا ۲/۵، اغلب ۲/۵ تا ۳/۵ و همیشه ۳/۵ تا ۴ است، بنابراین براساس جدول ۶ مشاهده می‌شود که میانگین پاسخ‌های مؤلفه‌های «مسئولیت در قبال سلامت»، «مدیریت استرس»، «تغذیه» و «فعالیت بدنی» در حدود گاهی اوقات قرار دارند. در حالی که مؤلفه‌های «روابط بین فردی» و «رشد معنوی» در سطح اغلب قرار دارد. به‌طور کلی، مشاهده می‌شود که مؤلفه رشد معنوی قوی‌تر از سایر مؤلفه‌های سبک زندگی در نمونه مجرمان مورد مطالعه باشد. همچنین، رفتار سطح پرخطر نمونه در بازه ۲/۵ تا ۳/۵ است که در پرسشنامه استاندارد رفتار پرخطر، سطح متوسط است. البته تمامی مؤلفه‌ها و رفتار پرخطر دارای انحراف معیاری کمتر از ۱ است که نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً کمی است و نشان می‌دهد که نتیجه فوق قابل استناد است.

به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که به منظور بررسی معناداری تأثیر متغیر مستقل بر وابسته بکار گرفته می‌شود. بدین منظور، ابتدا باید مفروضه‌های آن مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه فرعی اول: مسئولیت‌پذیری می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند.

جدول ۳ - آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مسئولیت‌پذیری و رفتار پرخطر

مقدار	شاخص
-۰/۲۹۷	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۱۹۴	اندازه نمونه

در جدول ۳ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین متغیرهای مسئولیت‌پذیری و رفتار پرخطر نمونه ارادل و اوباش برابر با -۰/۲۹۷ - با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از خطای آلفای آزمون یعنی ۰/۰۵، فرضیه وجود همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه تأیید می‌شود. ضمناً منفی بودن مقدار ضریب همبستگی دلالت بر معکوس بودن همبستگی دارد. بنابراین، شرط نخست استفاده از رگرسیون خطی برقرار است. همچنین، مفروضه دیگر رگرسیون، مستقل بودن خطاها است. استقلال خطاها با استفاده از آماره دوربین - واتسون بررسی شده است که این مقدار در این فرضیه طبق جدول ۴، برابر با ۱/۵۳۱ محاسبه شد و با توجه به قرار داشتن در بازه

۱/۵ تا ۲/۵، فرض استقلال خطاها مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، به دلیل برقراری دو مفروضه، از تحلیل رگرسیون در جدول ۴ استفاده شده است.

جدول ۴ - تحلیل رگرسیون تأثیر مسئولیت‌پذیری و رفتار پرخطر

آماره دوربین - واتسون	آماره F تحلیل واریانس	مدل رگرسیون				سطح معناداری آزمون F	سطح معناداری
		ضرایب	بتا	آماره F	سطح معناداری		
۱/۵۳۱	۱۸/۵۳۲	۰/۰۰۰	مقدار ثابت	۴/۰۲۰	-	۱۷/۲۶۵	۰/۰۰۰
		۰/۰۰۰	مسئولیت‌پذیری	-۰/۴۴۰	-۰/۲۹۷	-۴/۳۰۵	۰/۰۰۰

مقدار کمتر از ۰/۰۵ سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس در جدول ۴، نشان‌دهنده این است که مدل رگرسیون خطی توانسته است تغییرات متغیر رفتار پرخطر را توسط مسئولیت‌پذیری تبیین کند. مقدار بتای مسئولیت‌پذیری ۰/۲۹۷- بوده و دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده تأثیر معکوس و معنادار آن بر رفتار پرخطر و قابلیت پیش‌بینی آن است. بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه فرعی اول را پذیرفت. همچنین، ضریب تعیین این مدل ۰/۰۸۸ است؛ بدین مفهوم که مسئولیت‌پذیری تنها می‌تواند ۸/۸ درصد از رفتار پرخطر ارادل و اوباش تهران را تبیین کند.

فرضیه فرعی دوم: مدیریت استرس می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند.

جدول ۵ - آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مدیریت استرس و رفتار پرخطر

شاخص	مقدار
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۴۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰
اندازه نمونه	۱۹۴

در جدول ۵ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین متغیرهای مدیریت استرس و رفتار پرخطر نمونه ارادل و اوباش برابر با ۰/۲۴۱- با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از خطای آلفای آزمون یعنی ۰/۰۵، فرضیه وجود همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه تأیید می‌شود. ضمناً منفی بودن مقدار ضریب همبستگی دلالت بر معکوس بودن همبستگی دارد. بنابراین، شرط نخست استفاده از رگرسیون خطی برقرار است. همچنین، مقدار آماره دوربین - واتسون در این فرضیه طبق جدول ۶ برابر با ۱/۶۲۸ محاسبه شد و با توجه به قرار داشتن در ۱/۵ تا ۲/۵، فرض

استقلال خطاها مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، با توجه به برقراری دو مفروضه، از رگرسیون در جدول ۶ استفاده شده است.

جدول ۶ - تحلیل رگرسیون تأثیر مدیریت استرس بر رفتار پرخطر

آماره دوربین - واتسون	آماره F تحلیل واریانس	سطح معنی‌داری آزمون F	مدل رگرسیون		
			ضرایب	بتا	آماره t
۱/۶۲۸	۱۱/۸۷۴	۰/۰۰۱	۳/۸۵۴	-	۱۶/۰۴۰
		مقدار ثابت مدیریت استرس	-۰/۳۸۰	-۰/۲۴۱	-۳/۴۴۶
		سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵۸
		ضریب تعیین			

مقدار کمتر از ۰/۰۵ سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس در جدول ۵، نشان‌دهنده این است که مدل رگرسیون خطی توانسته است تغییرات متغیر رفتار پرخطر را توسط مدیریت استرس تبیین کند. مقدار بتای مدیریت استرس ۰/۲۴۱- بوده و دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده تأثیر معکوس و معنادار آن بر رفتار پرخطر و قابلیت پیش‌بینی آن است. بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه فرعی دوم را پذیرفت. همچنین، ضریب تعیین این مدل ۰/۰۵۸ است؛ بدین مفهوم که مدیریت استرس تنها می‌تواند ۵/۸ درصد از رفتار پرخطر ارادل و اوباش تهران را تبیین کند. فرضیه فرعی سوم: روابط بین فردی می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند.

جدول ۷ - آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای روابط بین فردی و رفتار پرخطر

شاخص	مقدار
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۲۷
سطح معناداری	۰/۰۸۷
اندازه نمونه	۱۹۴

در جدول ۷ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین به متغیرهای روابط بین فردی و رفتار پرخطر نمونه ارادل و اوباش برابر با ۰/۱۲۷ با سطح معناداری ۰/۰۷۸ است. با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری از خطای آلفای آزمون یعنی ۰/۰۵، فرضیه وجود همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه رد می‌شود. بنابراین، فرضیه فرعی سوم رد می‌شود. فرضیه فرعی چهارم: رشد معنوی می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند.

جدول ۸ - آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای رشد معنوی و رفتار پرخطر

مقدار	شاخص
۰/۱۷۳	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۱۶	سطح معناداری
۱۹۴	اندازه نمونه

در جدول ۸ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین متغیرهای رشد معنوی و رفتار پرخطر نمونه اراذل و اوباش برابر با ۰/۱۷۳- با سطح معناداری ۰/۰۱۶ است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از خطای آلفای آزمون یعنی ۰/۰۵، فرضیه وجود همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه تأیید می‌شود. ضمناً منفی بودن مقدار ضریب همبستگی دلالت بر معکوس بودن همبستگی دارد. بنابراین، شرط نخست استفاده از رگرسیون خطی برقرار است. همچنین، مقدار آماره دوربین - واتسون در این فرضیه برابر با ۱/۶۶۲ محاسبه شد و با توجه به قرار داشتن در بازه ۱/۵ تا ۲/۵، فرض استقلال خطاها مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، به دلیل برقراری دو مفروضه، از رگرسیون در جدول ۸ استفاده شده است.

جدول ۹ - تحلیل رگرسیون تأثیر رشد معنوی بر رفتار پرخطر

ضریب تعیین	سطح معناداری	مدل رگرسیون				سطح معناداری آزمون F	آماره F	آماره دوربین - واتسون
		ضرایب	بتا	آماره t	ضریب			
۰/۰۳۰	۰/۰۰۰	۱۳/۶۰۵	-	۳/۶۹۹	مقدار ثابت	۰/۰۱۶	۵/۹۰۰	۱/۶۶۲
	۰/۰۱۶	-۲/۴۴۹	-۰/۱۷۳	-۰/۲۵۰	رشد معنوی			

مقدار کمتر از ۰/۰۵ سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس در جدول ۹، نشان‌دهنده این است که مدل رگرسیون خطی توانسته است تغییرات متغیر رفتار پرخطر را توسط رشد معنوی تبیین کند. مقدار بتای رشد معنوی ۰/۱۷۳- بوده و دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده تأثیر معکوس و معنادار آن بر رفتار پرخطر و قابلیت پیش‌بینی آن است. بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه فرعی چهارم را پذیرفت. همچنین، ضریب تعیین این مدل ۰/۰۳۰ است؛ بدین مفهوم که رشد معنوی تنها می‌تواند ۳ درصد از رفتار پرخطر اراذل و اوباش تهران را تبیین کند.

فرضیه فرعی پنجم: تغذیه می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند.

جدول ۱۰ - آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تغذیه و رفتار پرخطر

مقدار	شاخص
۰/۱۲۳	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۸۸	سطح معناداری
۱۹۴	اندازه نمونه

در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین به متغیرهای تغذیه و رفتار پرخطر نمونه ارادل و اوباش برابر با ۰/۱۲۳ با سطح معناداری ۰/۰۸۸ است. با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری از خطای آلفای آزمون یعنی ۰/۰۵، فرضیه وجود همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه رد می‌شود. بنابراین، فرضیه فرعی پنجم رد می‌شود.

فرضیه فرعی ششم: فعالیت بدنی می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند.

جدول ۱۱ - آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای فعالیت بدنی و رفتار پرخطر

مقدار	شاخص
۰/۲۳۸	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۱	سطح معناداری
۱۹۴	اندازه نمونه

در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین متغیرهای فعالیت بدنی و رفتار پرخطر نمونه ارادل و اوباش برابر با ۰/۲۳۸ - با سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از خطای آلفای آزمون، یعنی ۰/۰۵، فرضیه وجود همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه تأیید می‌شود. ضمناً منفی بودن مقدار ضریب همبستگی دلالت بر معکوس بودن همبستگی دارد. بنابراین، شرط نخست استفاده از رگرسیون خطی برقرار است. همچنین، مقدار آماره دوربین - واتسون در این فرضیه برابر با ۱/۷۲۹ محاسبه شد و با توجه به قرار داشتن در بازه ۱/۵ تا ۲/۵، فرض استقلال خطاها مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، به دلیل برقراری دو مفروضه، از رگرسیون در جدول ۱۲ استفاده شده است.

جدول ۱۲ - تحلیل رگرسیون تأثیر فعالیت بدنی بر رفتار پرخطر

آماره دوربین - واتسون	آماره F تحلیل واریانس	سطح معناداری آزمون F	مدل رگرسیون			مقدار ثابت	فعالیت بدنی
			ضرایب	بتا	آماره t		
۱/۷۲۹	۱۱/۵۳۵	۰/۰۰۱	۳/۷۳۰	-	۱۷/۸۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷
			-۰/۳۰۷	-۰/۲۳۸	-۳/۳۹۶	۰/۰۰۱	

مقدار کمتر از ۰/۰۵ سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس در جدول ۱۲، نشان‌دهنده این است که مدل رگرسیون خطی توانسته است تغییرات متغیر رفتار پرخطر را توسط فعالیت بدنی تبیین کند. مقدار بتای فعالیت بدنی $-۰/۲۳۸$ بوده و دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده تأثیر معکوس و معنادار آن بر رفتار پرخطر و قابلیت پیش‌بینی آن است. بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه فرعی ششم را پذیرفت. همچنین، ضریب تعیین این مدل ۰/۰۵۷ است؛ بدین مفهوم که فعالیت بدنی تنها می‌تواند ۵/۷ درصد از رفتار پرخطر ارادل و اوباش تهران را تبیین کند. فرضیه اصلی: سبک زندگی می‌تواند رفتار پرخطر ارادل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند.

جدول ۱۳ - آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای سبک زندگی و رفتار پرخطر

شاخص	مقدار
ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۹۳
سطح معناداری	۰/۰۰۷
اندازه نمونه	۱۹۴

در جدول ۱۳ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی بین متغیرهای سبک زندگی و رفتار پرخطر نمونه ارادل و اوباش برابر با $-۰/۱۹۳$ با سطح معناداری ۰/۰۰۷ است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری از خطای آلفای آزمون یعنی ۰/۰۵، فرضیه وجود همبستگی بین دو متغیر مورد مطالعه تأیید می‌شود. ضمناً منفی بودن مقدار ضریب همبستگی دلالت بر معکوس بودن همبستگی دارد. بنابراین، شرط نخست استفاده از رگرسیون خطی برقرار است. همچنین، مقدار آماره دوربین - واتسون در این فرضیه برابر با ۱/۷۳۳ محاسبه شد و با توجه به قرار داشتن در بازه $۱/۵$ تا $۲/۵$ ، فرض استقلال خطاها مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، به دلیل برقراری دو مفروضه، از رگرسیون در جدول ۱۴ استفاده شده است.

جدول ۱۴ - تحلیل رگرسیون تأثیر سبک زندگی بر رفتار پرخطر

آماره دوربین - واتسون	آماره F تحلیل واریانس	سطح معناداری آزمون F	مدل رگرسیون		
			ضرایب	بتا	آماره t
۱/۷۳۳	۷/۴۰۲	۰/۰۰۷	مقدار ثابت	۳/۸۴۶	-
			سبک زندگی	-۰/۳۴۴	-۰/۱۹۳
			سطح معناداری	۰/۰۰۰	۱۲/۹۴۸
			ضریب تعیین	۰/۰۳۷	-۲/۷۲۱

مقدار کمتر از ۰/۰۵ سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس در جدول ۱۴، نشان‌دهنده این است که مدل رگرسیون خطی توانسته است تغییرات متغیر رفتار پرخطر را توسط سبک زندگی تبیین کند. مقدار بتای سبک زندگی ۰/۱۹۳- بوده و دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده تأثیر معکوس و معنادار آن بر رفتار پرخطر و قابلیت پیش‌بینی آن است. بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه فرعی ششم را پذیرفت. همچنین، ضریب تعیین این مدل ۰/۰۳۷ است؛ بدین مفهوم که سبک زندگی تنها می‌تواند ۳/۷ درصد از رفتار پرخطر ارادل و اوباش تهران را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به رشد فزاینده شهرنشینی و به تبع آن رشد معضلات اجتماعی و امنیتی در شهرها، پلیس را بر آن داشته تا با شناسایی گروه‌های هدف و رقیب، گامی فراتر نهاده و با شناخت ابعاد سبک زندگی و جامعه‌شناختی هنجارشکنان اجتماعی و ارادل و اوباش، نسبت به پیش‌بینی رفتار پرخطر این قشر آسیب‌زا اقدام کند. رفتار پرخطر و تحرکات مجرمانه ارادل و اوباش یک عامل اساسی در برهم زدن نظم و امنیت کلی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود از این‌رو، بررسی دلایل این موضوع، به شناسایی دقیق زوایای پید و پنهان تحرکات ارادل و اوباش و پیش‌بینی و پیشگیری و مقابله پیش‌دستانه با آن کمک می‌کند. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سبک زندگی و هریک از مؤلفه‌های آن در رفتار پرخطر ارادل و اوباش تهران انجام شد.

نتایج بررسی فرضیه اول تحقیق نشان داد که مسئولیت‌پذیری، تأثیری معکوس و معنادار در رفتار پرخطر ارادل و اوباش دارد. این یافته با نتایج دیگر مطالعات انجام گرفته در این زمینه مانند توفیق (۱۳۹۴) همسو است. به عبارت دیگر، هرچه مسئولیت‌پذیری در سطح بالاتری باشد، ارادل و اوباش رفتار پرخطر کمتری از خود نشان می‌دهند. نتایج حاصل از فرضیه دوم نیز نشان داد که مدیریت استرس، تأثیر معکوس و معنادار در رفتار پرخطر ارادل و اوباش دارد و با تحقیقات توفیق (۱۳۹۴) در این زمینه همسو است. یکی

از آثار استرس، اختلال در سازگاری است که فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا هرچه مدیریت استرس بیشتر باشد، رفتار پرخطر کمتری مشاهده خواهد شد. همچنین، یافته‌های فرضیه سوم حاکی از آن بود که بین دو متغیر روابط بین فردی و رفتار پرخطر، رابطه معناداری وجود ندارد و روابط بین فردی نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتار پرخطر باشد و این فرضیه رد شد. این درحالی است که توفیق (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد از لحاظ رابطه بین فردی، میانگین این متغیر برای افراد عادی و متهمان به ترتیب ۲/۸۸ و ۲/۴۶ است که نشان‌دهنده بیشتر بودن ارتباطات فردی افراد عادی نسبت به متهمان است و اختلاف میانگین این متغیر برای دو گروه از لحاظ آماری معنادار است.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهارم نشان داد که رشد معنوی می‌تواند رفتار پرخطر اراذل و اوباش را پیش‌بینی کند و حاکی از تأثیر معکوس و معنادار رشد معنوی بر رفتار پرخطر جامعه است. نتایج حاصل با تحقیقات دی (۲۰۱۱)، تسو و همکاران (۲۰۰۵) و توفیق (۱۳۹۴) همسو است. به عبارت دیگر، افرادی که از دینداری بالایی برخوردارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های تنش‌زا در زندگی دارند و رفتار پرخطر کمتری از خود نشان می‌دهند. نتایج حاصل از فرضیه پنجم نیز تحقیق نشان داد که بین دو متغیر تغذیه و رفتار پرخطر، رابطه معناداری وجود ندارد و تغذیه نمی‌تواند رفتار پرخطر اراذل و اوباش شهر تهران را پیش‌بینی کند و این فرضیه رد شد. این نتیجه، با نتایج برخی از تحقیقات از جمله توفیق (۱۳۹۴) همسو نیست که در پژوهش خود با هدف مقایسه سبک زندگی ارتقا‌دهنده سلامت در بین افراد عادی و مجرمان، نشان داد از لحاظ فعالیت بدنی، میانگین این متغیر برای افراد عادی و متهمان به ترتیب ۲/۵۴ و ۲/۷۳ است که نشان‌دهنده توجه بیشتر متهمان به امر تغذیه است و اختلاف میانگین این متغیر برای دو گروه از لحاظ آماری معنی‌دار است. همچنین، نتایج حاصل از بررسی فرضیه ششم، تأثیر معکوس و معنادار فعالیت بدنی بر رفتار پرخطر را نشان داد. در واقع، یافته‌های این فرضیه حاکی از آن است که هرچه فعالیت بدنی افراد بالاتر باشد، رفتار پرخطر کمتری را از خود نشان می‌دهند. یافته‌های این فرضیه، با مطالعات صورت گرفته توسط توفیق (۱۳۹۴) و مونیکا (۲۰۱۴) که انجام فعالیت‌های ورزشی را عاملی برای افزایش توانایی مقابله با استرس و تنش‌های زندگی می‌داند، همسو دانست.

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه اصلی حاکی از آن است که سبک زندگی تأثیر معکوس و معنادار بر رفتار پرخطر جامعه دارد. به عبارت دیگر، سبک زندگی می‌تواند رفتار پرخطر

را پیش‌بینی کند و هرچه نمره آزمودنی‌ها از نیم‌رخ سبک زندگی بالاتر باشد، ارادل و اوباش رفتار پرخطر کمتری را از خود نشان می‌دهند. نتایج به دست آمده در طرح حاضر با بسیاری از تحقیقات همسو در زمینه تأثیر سبک زندگی بر بروز رفتارهای پرخطر همخوانی دارد؛ مانند مطالعات محمودی (۱۳۹۵) که در تحقیق خود نشان داده بود بین سبک زندگی و رفتارهای پرخطر در دختران دبیرستان منطقه پنج شهر تهران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چه سبک زندگی بهتر شود، رفتار پرخطر کاهش می‌یابد. فانگکیو و همکاران (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود تأثیر سبک زندگی و افزایش مهارت‌های لازم برای بهبود آن را یکی از عوامل کاهش رفتارهای پرخطر دانسته‌اند؛ یعنی هر چه سبک زندگی بهتر شود، رفتار پرخطر کاهش می‌یابد. سبک زندگی سالم موجب سلامتی و بهزیستی، رعایت هنجارها و مقررات اجتماعی می‌شود. سبک زندگی که مجموعه‌ای از ابعاد مسئولیت در قبال سلامت، رشد معنوی، مدیریت استرس، روابط بین فردی، تغذیه و فعالیت‌های بدنی است، موجب پیشگیری از بسیاری از انحرافات و رفتارهای خطرناک می‌شود.

با توجه به نتایج حاصله در این پژوهش و نیز با بهره‌گیری از مبانی نظری، پیشنهادهایی مطرح شده تا مورد استفاده برنامه‌ریزان کنترل و پیشگیری از جرائم و از آن جمله فرماندهان پلیس‌های ذی‌ربط، محققان و علاقه‌مندان به موضوع این پژوهش قرار گیرد.

- با بهره‌گیری از کلیه ابزار کنترلی مانند کنترل‌های ویژه اطلاعاتی، شبکه منابع و مخبرین، بانک‌های اطلاعاتی و نیز تحقیقات محلی و میدانی، ضمن رصد کلیه تحرکات ارادل اوباش نسبت به کسب اطلاعات از ابعاد و مؤلفه‌های سبک زندگی آن‌ها اقدام تا با بررسی و پایش اطلاعات به دست آمده، نسبت به پیش‌بینی بروز رفتار پرخطر و افعال مجرمانه آن‌ها قبل از وقوع اقدام کرد.

- پیشنهاد می‌شود هر یک از پایگاه‌های نه‌گانه و مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی فاتب طی برگزاری کارگاه‌های آموزشی با حضور اساتید با تجربه، کارشناسان کنترل ارادل و اوباش را با اصول و مؤلفه‌های سبک زندگی و علل بروز رفتار پرخطر این قشر آسیب‌زا آشنا کرده تا ضمن فراهم کردن زمینه‌های کاربردی، از آن در چگونگی انجام روند کنترل مؤثر و هدفمند ارادل و اوباش استفاده کنند.

- پیشنهاد می‌شود به‌طور متوسط هر چهار ماه یک‌بار ضمن دعوت از خانواده ارادل و

اوباش کنترلی به صورت انفرادی به پایگاه مربوطه، علاوه بر کسب اطلاعات در خصوص تحرکات پنهانی آن‌ها، خانواده‌ها را در خصوص کسب مهارت‌های لازم پیرامون برخورد با رفتارهای پرخطر آن‌ها در چهارچوب ابعاد سبک زندگی در محیط خانواده آموزش دهند. - جهت مدیریت استرس در سبک زندگی سالم، آموزش‌های لازم در قالب اجرای کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه مدیریت استرس برای اراذل و اوباش اجرا کنند تا آن‌ها توانایی‌های لازم در این مورد را کسب کنند.

- با توجه به نقش سبک زندگی در پیش‌بینی رفتار پرخطر، لازم است به ابعاد آن به ویژه تقویت بعد مسئولیت‌پذیری توجه خاص شود. تقویت این مقوله می‌تواند از طرق مختلف از جمله شیوه‌های کارگاهی، ایفای نقش و غیره صورت گیرد.

منابع

منابع فارسی

- آقایی، اصغر؛ ملک پور، مختار و منصور، شهلا (زمستان ۱۳۸۳). رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه آن با افراد عادی. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی*. ۲۱(۲۲)، صص ۱۶۹-۱۹۰. بازیابی از: <http://noo.rs/UIId2g>
- توفیق، شهلا (۱۳۹۴). مقایسه سبک زندگی مجرمان و افراد عادی جامعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.
- زاده‌محمدی، علی و احمدآبادی، زهره (۱۳۸۸). بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان؛ راهکارهایی برای پیشگیری از جرم در محیط خانواده. *مجله خانواده پژوهی*. ۵(۲۰)، صص ۴۶۵-۴۸۵. بازیابی از: <https://b2n.ir/812879>
- زراعتکار، غلامحسین (۱۳۹۵). بررسی تأثیر اقدامات اجرائی پلیس اطلاعات و امنیت عمومی تهران بزرگ بر کنترل اراذل و اوباش طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم و فنون اطلاعات و آگاهی دانشگاه علوم انتظامی امین.
- سوری، احمد (۱۳۹۵). *روان‌شناسی جنایی*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین. چاپ اول.
- شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی الن (۱۳۸۸). *نظریه‌های شخصیت* (سید یحیی محمدی، مترجم). تهران: نشر ویرایش.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی (منوچهر صبوری کاشانی، مترجم)*. تهران: نشر نی.
- ماهر، فرهاد (۱۳۸۳). رفتارهای پرخطر در اوقات فراقت جوانان؛ روش‌ها و الگوها. فصلنامه مطالعات جوانان. ۳(۶)، صص ۱۴۳-۱۱۸. بازیابی از: <http://noo.rs/Fz40N>
- محمودی، لیلا (۱۳۹۵). نقش سبک زندگی و تنظیم هیجانی در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دختران دبیرستانی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.
- نجفی، شبمن (۱۳۹۶). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس باورهای غیرمنطقی و تنظیم هیجانی در دختران دبیرستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.
- نوروزی، نادر و نصیری سقرلو، اقلیمه (۱۳۹۴). نقش سبک زندگی در پیشگیری از جرم. تهران: نشر مجد.
- هنری، ال.بی. (۱۳۸۳). *اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان (فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، مترجمان)*. تهران: نسل سوم (سازمان ملی جوانان)

منابع انگلیسی

- Adler, A. (1956). *The individual psychology of Alfered Adler*. New York: Basic books inc.
- Bergman, M. M., & Scott, J. (2001). Young adolescents well being and health risk behaviors: Gender and socioeconomic differences. *Journal of Adolescence*, 24, 183s-197. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0140197101903781>.
- Boschloo L, Reeuwijk K. G, Schoevers R. A & Penninx B. W. J. H. (2014). The impact of lifestyle factors on the 2-year course of depressive and/or anxiety disorders. *Journal of Affective Disorders*. 159, p. 73-79 7 p. Retrieved from: <https://www.rug.nl/research/portal/en/publications/the-impact-of-lifestyle-factors>.
- Bowlby, J. (1958). The nature of the child s tie to his mother. *international journal of psychoanalysis*, 39, 350-373. Retrieved from: www.psychology.sunysb.edu/attachment/online/nature_of_the_childs_tie_bowlby.pdf
- Car Gregg, M.R.C. & Grover, S.R. (2003). Risk taking behavior of young women in Australia, screening for healt risk behaviors. *Medical Jornal of Australia*, 178, 601-604. Retrieved from: https://www.mja.com.au/system/files/issues/178_12_160603/car_10800_fm.
- Carver, G; scheier, M. (2004). *Perspectives on personality*. Boston. Pearson.

- University of Miami, Carnegie Mellon University. Description: Eighth Edition. | New York: Pearson, 2016. | Revised edition of the authors' Perspectives on personality, 2012 Retrieved from:
https://catalogue.pearsoned.ca/assets/hip/ca/hip_ca_pearsonhighered/preface/013441537X.pdf
- Chaveepojnkamjorn W, Pichainarong N(2011). Current drinking and health-risk behaviors among male high school student in central Thailand. *B M C Public Health*; 11(233): 11-233. Retrieved from:
<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3090349>
- Day, J. M. (2011). Religious factors in moral decisionmaking: Towards an integrated, socio-cultural developmental model, *Estudios de Psicología*, 32: 147-161. Retrieved from: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1174/021093911794834568>
- Dreikurs, R. (1993). Determinants of changing attitude for marital parents toward each other. *Journal of Individual Psychology*, vol.49, NOS.3 and 4 september / desember 1993, pp 488-505. Retrieved from:
<http://www.carterandevans.com/portal/index.php/couples/82-determinants-of-changing-attitudes-of-marital-partners-toward-each-other>
- Esmailzadeh, H., M. Asadi, N. Miri, and M. Keramatkar. "Prevalence of high risk behaviors among high school students of Qazvin in 2012." *Iranian Journal of Epidemiology* 10, no. 3 (2014): 75-82. Retrieved from:
http://irje.tums.ac.ir/browse.php?a_id=5282&slc_lang=en&sid=1&printcase=1&hbnr=1&hmb=1
- Fongkaew, W., Cupp, P. K., Miller, B. A., Atwood, K. A., Chamratrithirong, A., Rhucharoenpompanich, O., ... & Byrnes, H. F. (2012). Do Thai parents really know about the sexual risk taking of their children? A qualitative study in Bangkok. *Nursing & health sciences*, 14(3), 391-397.. Retrieved from: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1442-2018.2012.00703.x>
- Hornay, K. (1937). *The neurotic personality of our time*. New York: Norton. Retrieved from:
<https://www.scirp.org/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=203827>
- Liau, AK, Liau, A.W.L, Teoh, G.B.S & Liau, M.T.L. (2003). The Case for Emotional Literacy: the influence of emotional intelligence on problem behaviours in Malaysian secondary school students. *Journal of Moral Education* 32 (1):51-66 (2003) Retrieved from:
<https://philpapers.org/rec/LIATCF>
- Monica, G. (2014). Study on the Importance of Physical Education in Fighting Stress and a Sedentary Lifestyle among Students at the University of Bucharest. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 117: 104 – 109. Retrieved from:

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042814017169>

- Mosak, HH, Maniacci, M. (1999). A primer of Adlerian psychology: The analytic- behavioral-cognitive psychology of Alfred Adler. Psychology Press, 1999 - 198 pages. Retrieved from:

https://books.google.com/books/about/A_Primer_of

- Tse, S., Lloyd, C., Petchkovsky, L., & Manaia, W. (2005). Exploration of Australian and New Zealand indigenous people's spirituality and mental health. *Australian Occupational Therapy Journal*, 52(3), 181-187. Retrieved from <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1440-1630.2005.00507.x>

- Stein H.T. and Edwards M.E. (2006). Classical Adlerian Theory and Practice. In: Marcus P and Rosenberg A. (eds). *Psychoanalytic Versions of the Human Condition: Philosophies of Life and Their Impact on Practice*. New York, New York University Press. Retrieved from:

<http://www.adlerian.us/theoprac.htm>

- Thompson, C. L., & Rudolph, L. B. (1996). *Counseling children*. publishing company: Brooks/Cole. Retrieved from: https://www.amazon.com/dp/1285464540/ref=cm_sw_em_r_mt_awdb_p-wrEb8HHQJOK